

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللهم صل علی محمد و آل محمد

سوره مبارکه قارعه (جله، ششم)

ختم مفهومی استاد اخوت ۱۴۰۱/۰۴/۱۶

قبل از اینکه شروع کنم، چند نکته خدمتتان عرض کنم:

از امام رضا(علیه السلام) خواستم که برای دوستان ایمانی بالاخص آنهایی که برای کارهای اجرایی، پژوهشی مدرسه مشغول به کارند یک هدیه‌ای به ذهن ما جاری کنند، مواردی که اینجا نوشته‌ایم به صورت پراکنده است اما مطالبی است که قابل تامل است و لازم است دوستان در شروع جدید و سال جدیدی که دارند شروع می‌کنند، این موارد را در ذهنشان داشته باشند، و ما جلسات شنبه بعد ماه مبارک را جلسات جدید تلقی می‌کنیم که لازم است افراد خود را ارزیابی کنند و افق‌های پیش رویشان را تنظیم کنند. پس این متن را به این عنوان قرائت می‌کنم و این مواردی است که با اینکه در ذهن بوده ولی محل شکل‌گیری‌شان در حرم امام رضا(علیه السلام) است:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

یکی از وظایفی که بر عهده ماست این است که بدانیم که همه انسان‌ها هدایت می‌شوند و این گونه برنامه‌هایمان را تنظیم کنیم و کار ما منجر به هدایت همه انسان‌ها می‌شود و شکوفا کردن به معنای کرامت است. شکوفا کردن علم کیمیا است یعنی فلانی کرامت داشت و مستجاب الدعوه بود. پس داشتن چنین امیدی کرامت است. شما قلمرو هدایت را همه انسان‌های روی زمین بدانید و این را ما از حضرت موسی(علیه السلام) می‌آموزیم که فرمودند: (کَیْ نُسَبِّحُكَ کَثِیْرًا وَ نَذْکُرُكَ کَثِیْرًا). از اینکه چنین قدرتی خدا به ما داده است، نباید بترسیم و هول کنیم. پس نترسید، هول نکنید! هر کاری که می‌خواهید انجام دهید براساس این امید انجام دهید. حتی بر این اساس که می‌خواهید هر کسی را در مقامی قرار دهید در او القای این امید را داشته باشید. پس تک‌تک افرادی که تحت نظر شما هستند را

در این راستا القای امید داشته باشید. وقتی قفل می‌کنید، هیچ‌گونه داد و ستدی با اطرافیان‌تان ندارید، این طبیعی است. مثلاً یک ماه تا حتی یک سال قفل می‌شوید. این را به عنوان استراحت بدانید. اشکالی ندارد. گفته‌اند شما چند روزی و مدتی در نیمکت ذخیره بنشینید اما بعد که از حالت استراحت در می‌آیید بدانید که باید جبران کنید. برخی‌ها انرژی ذخیره می‌کنند ولی بعد که قرار بر کار شد چندین برابر باید کار کنند. مثلاً من یک ماه مبارک هیچ کاری نکردم ولی وقتی وارد ماه شوال شدم، چندین برابر کار کنم.

ملاک و منات شما برای هر کاری این است که دیگران را به تقوا و هدایت دعوت کنید. روح اصلی آن کار در هر حال تقویت تقوا و مراعات در برابر خدا باشد. یعنی یک کاری کنید که در آن کار افراد بتوانند حضورشان را در پیشگاه الهی بیشتر باور کنند، غایت‌تان این باشد که انسان‌ها محضر خدا را درک کنند. ذکر خدا، یاد خدا، انجام احکام، تقید به باید و نبایدهای شرعی، مصونیت از خطاهای تدریس را دربر خواهد داشت. چون برآیند ذکر خدا؛ تبعیت از مرجعیت است که در نتیجه به تفسیر به رأی نمی‌افتند.

از هدایت انسان‌ها ناامید نشوید. اگر دانشجویی به کار دهن کجی کرد، باید رویکردهای ما تغییر کند. نباید از هدایت مردم ناامید شویم. همیشه بانشاط باشیم. هیچ‌وقت بیکار نشوید. در هر کاری که می‌خواهید انجام بدهید حتماً به امام رجوع کنید. هر کسی ممکن است به یک امامی ارتباط بیشتری داشته باشند ولی رجوع به امام و الهام گرفتن از امام مهم است. ارتباط را همیشگی کنید. از امام بخواهید. از او علم طلب کنید. گرداندن و بینایی و اصوات غیبی را از امام بخواهید. همیشه و هر جا به امام رجوع کنید. امام‌دار باشید. بی‌کس و کار نباشید. توسل کنید حتی توسلات ساده. هر کاری می‌کنید خود را نماینده امام بدانید و به او گزارش دهید و از او باید و نبایدها را بخواهید. دست از افکار غالب خورده و شکل گرفته بردارید (حتماً فلان کلاس باید اینطور باشد و حتماً فلان سوره چنین باشد و ...)، به روز باشید. افکارتان را متأثر از القائنات امام بدانید. پس باید روز به روز منعطف باشید. وجود القائی، برنامه‌ریزی دارد ولی در برنامه‌اش انعطاف دارد. زیارت امین الله را به قصد وصل شدن به امام همیشه و هر جا ولو قسمت‌هایی از آن باشد را بخوانید. توصیه روزانه هم هست اما من چنین توصیه‌ای ندارم. مهم این است که با زیارت امین الله وصل شویم و معنای دعا مرتب در ذهنمان بیاید. دوری از مرقد و جسم امام را با سوره توحید جبران کنیم. به هر حال ما باید با جسم و مرقد امام در ارتباط باشیم ولی وقتی امام غایب است بهتر است این فاصله را با سوره توحید جبران

کنیم. هر قدر می‌خواهید به امام نزدیک‌تر باشید با سوره توحید انس بیشتری داشته باشیم. سوره توحید انس با امام است. در نمازهای اهل بیت (علیهم‌السلام) انس با سوره توحید دیده می‌شود.

هر قدر خودمان را از افکار و طرح‌های خودمان خالی کنیم بیشتر صدای امام را می‌شنویم ولی این مستلزم این است که فکر و طرح داشته باشیم ولی از آن‌ها خالی شویم. این احتیاج به شب زنده‌داری و نماز شب دارد.

امام هیچ‌گاه زیردستانش را رها نمی‌کند، شما اگر شاگردانی داشته باشید هیچ‌گاه آن‌ها را رها نمی‌کنید چطور امام ما را رها کند؟

هر یک از ما باید از خطرات ماورائی مثل جن و سحر مصون باشیم و این با اتصال به امام است. با فال نیک زدن و با دعا کردن. حرز و این‌ها لازم نیست بلکه «حُسن ظن» داشته باشیم که جان شما هم بلاگردان و ایمنی بخش بقیه باشد.

بروزات خودمان را زیاد کنیم.

وقتی در جمع هستید با دیگران بجوشید و انس بگیرید. در خلوتتان فکر کنید. کسانی می‌توانند در خلوت فکر کنند که بروز داشته باشند. نمی‌گوییم پر رو باشید بلکه پر بروز باشید. در این بروزات سعی کنید کلام اهل بیت (علیهم‌السلام) را نقل کنید، مرتب روایت بگویید و مسلسل وار پیش بروید ولی برخی هم تک‌تیراندازند. اما ما خشاب را پر می‌کنیم تا بالاخره یکی بگیرد. روایت‌های اخلاقی مانند حسن خلق و ... که حالت ضرب‌المثل دارد و بدون اینکه «قال الصادق» و «قال الباقر» باشد. پس نشست و برخاست با این آدم‌ها نور است. روایت‌های حکمت‌آمیز بگویید.

مجالس مان باید مجالس ذکر باشد. هیچ چیزی در این عالم بالاتر از ذکر خداوند نیست.

البته خیلی‌ها نمی‌دانستند که ما مشاهد هستیم اما به ذهنم رسید که عطیه حضرت امام رضا (علیه‌السلام) دعوت به ذکر کثیر و فهم توحید ربوبی بوده که با فهم اسماء و صفات توحید همراه است. هر جا می‌روید عَلم ذکر خدا را برپا کنید و ادعیه حضرت زهرا (علیها‌السلام) در این مسیر درخشش خاصی دارد. جریان ذکر در ادعیه حضرت (علیها‌السلام) به خوبی دیده می‌شود و این جریان حیات است.

این سوغاتی مشهد و پروتکل برنامه‌های بعدی و میثاق‌نامه جلسات شنبه‌مان برای شروع سال جدید بود.

اگر حضرت (علیه السلام) ما را دعوت کردند بنا بر این بوده که این‌ها را به گوش شما برسانیم و این‌ها دانه دانه به هم زنجیر است و از زنجیر بودن این‌ها مشخص می‌شود که القا یا توهم است. به این‌ها «تفصیل» می‌گویند که در عین حال که جد است ولی به هم متصل است و مشخص است که احتمالاً این ذهنیت و توهم نبوده است و در عین حال که ذهنیت بوده، برای ۹۰٪ آن‌ها می‌شود آیه قرآن یافت. تا اینجا مربوط به بحث اول ما بود.

برای ما هیچ سوالی بی‌پاسخ نمانده است اما در حد ظرفیت خود ما. اعتقاد این است که ارتباط با حضرات (علیهم السلام) باید برای ما دائمی باشد. آدم‌ها وقتی احساس می‌کنند که فقط در نزد حضرات (علیهم السلام) دریافت می‌کنند، در جاهای دیگر وقتی سوال داشته باشند به جواب نمی‌رسند. هر قدر می‌خواهید با حضرات (علیهم السلام) انس بگیرید سوره توحید را بیشتر قرائت کنید زیرا که خیلی ویژه کمک می‌کنند و نمی‌شود کسی با نظام توحید وارد نظام امامت شود و جوابی دریافت نکند.

سراغ دو کتاب (عمل و فعل) می‌رویم و سایر کتب هم، جلسات آینده رونمایی می‌شود.

## کتاب عمل

ما مباحث بسیار متعددی از عمل را مطرح کردیم و حال فهرست کتاب را مرور می‌کنیم. این‌ها را قبلاً دیده‌اید:

**ماهیت عمل:** بحث عمل را می‌خواهید چون وزن روی عمل می‌نشیند و بعد می‌گویید که عمل دارای وزن. پس ما چاره‌ای از دانستن عمل و قواعد آن نداریم، پس اول باید عمل را بدانیم به عنوان بستر وزن دار شدن. پس کسانی که روی عمل پژوهش می‌کنند با این دید نگاه کنند؛ حتی بنده در صدد بودم این فایل را برای کسانی که کار می‌کنند بفرستم.

در بحث ماهیت عمل اول مبدا عمل داریم؛

فرآیند شکل‌گیری عمل، اثر و نتیجه‌گیری، چگونگی و اصلاح عمل را داریم. آخرش هم یک سری اعمال نمادین و شاخص مطرح می‌کنیم. در این کتاب چون مطالب مفصل می‌شود با نمودار می‌توانند افراد به فهم بهتری برسند.

## مبدا عمل

- عمل از نفس سر می‌زند و می‌تواند در انسان صالح یا غیر صالح باشد.
  - هر نفسی «شاکله» ای دارد که او را نسبت به عملش محدود می‌کند. مثل اینکه نفسی کوچک و نفسی بزرگ است. پس اولین و مهم‌ترین مولفه «شاکله» است.
- امر و نهی به طور مستقیم با عمل ارتباط دارد. برای همین است که اگر کسی بخواهد عمل‌های قرآن را استخراج کند باید «اوامر و نواهی» قرآن را استخراج کند. حتی زمانی که می‌گوید «اعلموا» یعنی حرکت به سمت عمل علم‌آموزی است.

- هیچ عملی از انسان صادر نمی‌شود مگر آنکه به واسطه امر یا نهی‌ای باشد، اگر از امر و نهی خدا نشأت گرفته نشده باشد حتماً از امر و نهی‌ای از جانب غیر خداست. پس اگر کسی حساب کند که عملش به میزان کمی به خدا و امر و نهی او متصل است بفهمد که به غیر خدا متصل شده است. امر و نهی نمی‌تواند از جانب نفس باشد مگر آنکه (إن النفس لاماره بالسوء).
- اگر بحث امر و نهی برای کسی باز شود برایش «ولایت فقیه» و «ولی» باز می‌شود.
- علت نیاز انسان به امام، نیاز انسان به امر و نهی است.

ما یک نفس داریم و یک داخل نفس و یک خارج از نفس داریم: داخل نفس همان توفیقات انجام کار خوب است و خارج از نفس اوامر و نواهی است.

**مبدا عمل:** شاکله، فعل، توفیقات، امر و نهی‌ها، خواهش‌ها است. و ما باید اولین کاری که انجام می‌دهیم اصلاح مبادی اعمال باشد. بنابراین برخی اختلالات در این قسمت مبدا عمل است. اختلالات دسته‌بندی می‌شوند. شما اگر ۵ درس هم برای اختلال داشته باشید؛ شیطانی که امر و نهی‌ها را وارونه می‌کند، شیطانی که نفس را به خواهش‌ها

دعوت می کند، شاکله را تغییر می دهد. کار بد را تزئین می کند. شیطانی که حتی از کارهای خوب هم نمی گذرد و یک کاری می کند که انسان حسد کند یا ... یعنی هر قسمتی می تواند اختلال داشته باشد.

هر قدر اخلاص فرد در گرفتن امر و نهی ها از جانب خدا بیشتر باشد، عملش وزن دارتر می شود. پس عبودیت منشاء وزن دار شدن می شود.

پس وزن دار شدن یا بی وزنی عمل به چنین مبادی ای وابسته است. ما استقراء کردیم در قرآن که این ها استخراج شد. ممکن است مبادی دیگری هم یافت شود.

**سوال:** توفیقات انجام کار خوب چگونه محل اختلال و دعوت شیطان می شود؟

- کندی، مواجهات نامطلوب، قدرناشناسی از کارهای خوب.

قانون الهی این است که هر کسی کار خوبی انجام دهد جایزه ای از کار خوب دارد. من کار خوب زیادی داشتم که شاید از جایزه ام غفلت کرده ام. به خاطر همین وقتی آدم ها کار خوب انجام می دهند باید سال بعد بهتر شده باشند ولی آدم ها نوسان دارند. کار خوب ثمره اش توفیق برای انجام کار خوب بعدی است. ممکن است فرد بگوید دوستی نصیب شد (سوره فرقان) و غیره.

**نکته:** إن النفس لاماره بالسوء الا ما رحم ربی؛ نفس خودش بالذات به سوء امر می کند.

### فرایند شکل گیری عمل

نفس در زندگی دنیا قرار می گیرد که پر از ابتلائات است و فراز و نشیب دارد. گاهی با نعمت مورد ابتلا است و گاهی با گرفتن آن.

بر اساس ابتلا، اعطا و حرکتی که فرد دارد عمل شکل می گیرد.

**عمل** یعنی: قرار گرفتن نفس در زندگی دنیا.

**فصل مقوم عمل:** قرار گرفتن در زندگی دنیاست که یا احسن عمل تولید می کند یا سوء.

**شکل عمل براساس مواجهه انسان:**

شرّ (به نسبت اختیار)  $\neq$  خیر

خوبی و بدی و جلوه داشتن و نداشتن (سوء)  $\neq$  حسن

جریان یافتنش (سیئه)  $\neq$  حسنه

(۱) اگر اختیار خوبی داشته باشد خیر است. یعنی از همان ابتدا هر مواجهه‌ای برایش نعمت است. همان زمان که به اختیار فرد و همان لحظه مواجهه است.

(۲) سوء وقتی است که گناهی را مرتکب می شود. شکلش وابسته به خود فرد نیست.

(۳) سیئه وقتی است که صفت می شود. نوعا گناهایی که در عرصه اجتماعی اند سیئه است و یک گناه نیست.

یک کار بد سوء است ولی وقتی تبدیل به یک زنجیره شد سیئه است.

مبدا ورودی شرّ و خیر است و از همه مهم تر است. اگر فرد همان ابتدا شکست بخورد یعنی تا انتهایش بد رفته است. نفس مواجهه می شود با دنیا و بسترهای دنیایی و کنش و واکنش او با دنیا موجب «عمل» می شود.

### **اثر و نتیجه عمل**

هر عملی اثری دارد که هم در دنیا است و هم در آخرت. اثر عمل نقد است، دو نقد است و نسبه نیست. اثر عمل این است که می تواند انسان را به خدا نزدیک کند. در واقع عمل انسان را در سیر از خلقت تا بازگشتش یا بالا می برد یا وارد عذابش می کند. جحیم، سقر، نار و ... همه معانی اش آمده است و اینها همه در دنیا فهمیده می شود که برای آخرت هم هست. در واقع اگر کسی بخواهد اثر عمل را در قرآن بررسی کند ملکوت هر عملی به صورت آیه جهنم و آیه بهشت آمده است. یعنی اگر آیه‌ای بهشت را می گوید گویی خود عمل را می گوید. اگر در سوره انسان سندس و فلان دارد یعنی خاصیت آن عمل است. عمل وقتی دارای اثر است شکلش شبیه بهشت و جهنم می شود. یعنی خداوند عمل صالح را به شکل بهشت توصیف می کند و این بدان معنا نیست که بهشت نباشد ولی در همین

دنیا هم خاصیت همین سندس و استبرق است. مثلاً در سوره غاشیه می‌گوید که عملش به گونه‌ای است که او را در جهنم سیر نمی‌کند.

یکی از تفریحات سالم انسان این است که آیات بهشت و جهنمی را بخواند.

این شگفت‌انگیز است که عمل این قدر در ساحت خداوند دارای اثر است. در سوره مطفین، انشقاق و غاشیه به خوبی وصف هر عملی را با جزایهایشان گفته‌اند. مثلاً می‌خواهی عامله ناصبه نباشی، پس کاری کن که... می‌گوید من مدتی است که در روزمرگی افتاده‌ام. این عامله ناصبه است. حتی ارتباط با مردم این شده است که هر روز که می‌گذرد مثل خون جگر خوردن است ولی این را به مردم نسبت می‌دهیم، می‌گوییم زندگی کسالت بار شده است و غیره. این‌ها همه یعنی عمل بی‌فایده است؛ برو عمل با فایده بکن و ببین که چهره‌ات چقدر باز می‌شود.

سوره‌ها هر کدام یک‌طور خاصیت عمل را مطرح کرده‌اند. مثلاً یک عمل شکل قطران است و سیاه رنگ و بدبو است. باید بگوییم چه عملی از اعمال انسان است که بدبو و سیاه است؟ این کفران نعمت است. هر کسی نعمتی داشته باشد و دائم غر بزند: «آخه این هم شد زندگی»، «اینم شد بچه»، «اینم شد همسر» و غیره. این‌ها در سوره مبارکه ابراهیم است. عذاب کفران نعمت، قطران است.

استثنا در این کتاب سعی شد، از تمام واژگان «عمل» استفاده کنم.

هر کسی ماه رمضان سال قبلش را معیار قرار دهد و ماه رمضان امسال را هم بررسی کند. کارهایی که او را به این ماه مبارک رسانده را احصاء کند. اگر حالش عوض نشده یعنی عامله ناصبه شده است. عملی که انسان را به احسن حال نرساند عامله ناصبه است.

### اصلاح عمل:

در این بخش خلاصه‌ای از بحث‌های قبلی هم هستند.

برای اصلاح عمل توجه به دو مورد زیر مهم است:

۱. توجه به حقایق مربوط به عمل
۲. توجه به علم خدا نسبت به عمل



این فصل ویژه‌ای است؛ خدا به صورت ویژه‌ای به انسان خبر می‌دهد که خدا به عملت، علم دارد که یا بصیر خبیر است و غافل نیست و یا غیره. حدود ۸ واژه مربوط به این موضوع به کار می‌برد که خداوند علم دارد.

انسان باید بداند، ولی چرا گاهی خبیر و گاهی بصیر و علیم و ... است؟

این‌ها با تائنی دسته‌بندی و بررسی شده. جالب‌بودن این کتاب به این است که شما حس می‌کنید کاری نکردیم و فقط آیه‌ها به هم چسبیده شده است اما طرحش مهم است.

ما به دو دسته ویژگی رسیدیم، گفتیم اگر انسان قوانین مربوط به عمل را بداند، (جا دارد این قسمت مکرر در مکرر خواننده شود و باید بیش از یک بار خوانده شود) باید به حقیقت عمل توجه داشته باشد؛ «هر عملی خودش یک مخلوق است.»

\*\*\*

## ساعت دوم

برای سلامتی خودتان و همه خدمتگذاران دین و شیعیان جهان و همه کسانی که در سراسر دنیا برای مکتب تشیع کار می‌کنند صلواتی ختم بفرمایید.

بحث ما راجع به سوره مبارکه قارعه بود و مباحث مربوط به «عمل» را مطرح کردیم، قبلا در تخیلات مان فکر می‌کردیم که یک زمانی می‌آید که جلسات قرآن تشکیل می‌شود و سوره‌ای مثل قارعه را باز می‌کنیم و شروع می‌کنیم مطالبش را در می‌آوریم، در آن جمع یک عده نویسنده‌اند و داستان می‌نویسند، یک عده‌ای مهارتی‌اند و مطالبی می‌نویسند، یک عده‌ای فیلم سازند و بلافاصله بعد از اینکه سوره نازل شده آن را به زبان خودشان بیان می‌کنند، یعنی هر کسی به زبان خودش آن مطالب را منتقل می‌کند. هنوز این تخیل محقق نشده اما به انجام شدن نزدیک شده است.

در سوره قارعه بنا شد که فصول مختلفی داشته باشیم و هر کسی سوره را از منظری ارائه دهد که در مجموع یک کار واحد داشته باشیم که الحمدلله این کار تا حدی انجام گرفت و این منجر شد که کاری که انجام دادند به سرانجام برسد. برخی مطالبی را آماده کرده‌اند و برخی قرار است ارسال کنند. ولی هنوز آن چه که باید بشود، نشده است، باید این طور شود که جلسات تبدیل شود به جلساتی که تعداد حداکثری شرکت کنندگان، تولیدکننده باشند و نه فقط مصرف‌کننده و دوم اینکه هر کسی با بیان خودش، مطالب را بیان کند و این گونه است که آثار قرآن پژوهی گسترده خواهد شد. قرآن به معنای واقعی در بین ما مهجور است، آخرین متنی است که برای امور زندگی به آن مراجعه می‌کنیم و آخرین متنی است که فکر می‌کنیم مشکلات ما با آن حل می‌شود، افراد جامعه ما باورش نیست که از قرآن به عنوان یک متن دست اول ناب می‌توانند استفاده کنند و این گونه ما خودمان و جامعه را بی‌توفیق می‌کنیم. و ذائقه جامعه تغییر می‌کند و چون رزق طیب و خالص به او نرسیده به دنبال رزقهای حرام می‌رود و آن رزقها را در نظام آموزش و پرورش اش می‌آورد.

مطالبی که راجع به همان سند مذکور ۲۰۳۰ که برای برخی گنگ و مبهم است، که باورهای انسانها را از بُن و ریشه خراب می‌کند، امثال من و شما کوتاهی کردیم، آن بنده خدا هم درس خوانده غرب است و رزقش از آن جاست، باید توسط من و شما متن‌های دم‌دستی نوشته شود و با بیان‌های مختلف، آدم‌ها باید بفهمند که قرآن به صور مختلف

مطالب را بیان کرده است. هیچ متنی مثل قرآن این همه زوایای دید و تنوع ندارد و هیچ جایی چنین معجزه‌ای نیست و در هیچ فضای هنری، چنین چیزی وجود ندارد. حال این خطابه، از این جهت بود که یک چله عبادتی که شما برای خودتان داشتید تا این کلاس‌های شنبه تبدیل به کلاس‌های تولیدی شود. قرار نیست تک‌جنبه‌ای باشد یعنی فقط مهارتی یا فقط بنیادی. برخی فکر می‌کنند که کتاب کودک یعنی فقط داستان. نه این گونه نیست بلکه لازم است مطالب به فهم کودک نزدیک شود، برخی فکر می‌کنند برای فیلم‌سازی فقط باید داستان پیامبران (علیهم‌السلام) باشد، نه، بلکه می‌شود تنها از پیام یک سوره، فیلم بسازند.

در همین جمع می‌شود پرسید که هر کسی از کار خودش شروع کند، مفاهیم سوره‌ها را تبدیل بزنند و ما هم اینجا کارها را نقد می‌کنیم، نه بترسید و نه ناراحت شوید و این توفیقی است که در این کلاس است.

شب‌قدر شب برنامه‌ریزی است و ما افق‌های بعدی‌مان را براساس شب‌قدر می‌چینیم و همین‌طور محاسبه سال قبل را انجام می‌دهیم.

ما در دور جدید سوره‌خوانی که از سال پیش شروع شد، بنا کردیم براساس همان یک برنامه‌ریزی داشته باشیم. شروع کردیم از سوره مبارکه ناس و فلق، یعنی از آخر قرآن یک دور قرآن را مرور کنیم. دلیلش هم این بود که ما یک سری از سوره‌های جزء ۳۰ را کار نکردیم، و به پیشنهاد دوستان که گفتند برخی سوره‌ها در جزوات نیست، پس قرار شد همه سوره‌ها از آخر تا سوره قاف که «مفصلات» نام دارند را بخوانیم، و توصیه شده است که مفصلات را برای آموزش قرآن در نظر می‌گرفتند، مضاف بر این برخی محققین مثل آقای لسانی فشارکی که خدا حفظشان کند، اگر کسی ترجمه مفصلات را کار کند، طهارتی پیدا می‌کنند که به ترجمه کل قرآن احاطه پیدا می‌کنند.

تک‌تک سوره‌ها را در جشنواره شب‌قدر ارائه می‌دهیم که چه سوره‌هایی خوانده شده و چه سوره‌هایی قرار است بخوانیم.

### سوره مبارکه ناس:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (۱)

مَلِكِ النَّاسِ (۲)

إِلَهِ النَّاسِ (۳)

مِنَ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (۴)

الَّذِي يُوسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ (۵)

مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ (۶)

بحث «استعاذه» و انواع اختلالاتی که در قرآن است را بیان کردیم، موضوع «استعاذه» در این موضوع کار شد. اگر کسی بخواهد بیماریهای قرآن را کار کند بهتر است طبقه‌بندی‌های این کتاب را نگاه کند، مخصوصا کسانی که می‌خواهند کار ویژه‌ای کنند توجه به کتاب استعاذه خوب است و این کتاب به برکت سوره مبارکه ناس اتفاق افتاد یعنی یک دور کل قرآن با محوریت پناه بردن از بیماری‌ها بررسی شد.

### سوره مبارکه فلق:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (۱)

مِنَ شَرِّ مَا خَلَقَ (۲)

وَ مِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ (۳)

وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ (۴)

وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (۵)

سوره مبارکه فلق، که اول از آن شروع کردیم و بعد سراغ ناس رفتیم. فلق را تعریف کردیم که به معنای طلوع اثر بود. یعنی یک برداشت جدیدی داشتیم که طلوع اثر در عالم بود و مدل‌های مختلف طلوع اثر را در سوره فلق کار کردیم. برای کسانی که می‌خواهند کار هنری انجام دهند این کتاب برایشان جالب است، ما چند مدل طلوع اثر داریم، آیا فقط طلوع اثر همان طلوع خورشید است یا نه. این کتاب، برای رشته‌های «روان‌شناسی» و «هنر» فوق‌العاده است.

۱. استعاذه

۲. طلوع اثر

۳. القای اثر

این کتاب به یمن این دو سوره بود و این ۳ کتاب شروع روان‌شناسی اسلامی و هنر خواهد بود. این‌ها قبل از شاکله است.

**سوره مبارکه توحید:**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۱)

اللَّهُ الصَّمَدُ (۲)

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (۳)

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (۴)

در ابتدا که سوره‌ها را کار می‌کردیم نمی‌دانستیم به اینجا ختم می‌شود، دیدیم که فلق و ناس سوره «اثر» است، در سوره توحید، صفتی تولید می‌شود یعنی وقتی اثر در بستر مخلوق قرار می‌گیرد تبدیل به «صفات» می‌شود، و به جای اینکه از سوره توحید صفات خدا را دریاوریم صفات مخلوق را درآوردیم یعنی برای خداشناسی نفی صفات از خدا داشتیم که ۵ مدل صفت براساس سوره توحید استخراج کردیم که صفات پایه‌ای بودند.

### سوره مبارکه مسد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ (۱)

مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ (۲)

سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ (۳)

وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ (۴)

فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ (۵)

این سوره هم سوره عجیبی است. لعنت بر ابی لهب زمانی بیشتر خواهد شد که ما حقایق این سوره را بیشتر و بیشتر بفهمیم. آدم‌ها در یک حالتی قرار می‌گیرند که خیلی از حرف‌ها را نمی‌شوند و برخی چیزها را نمی‌بینند و یک حالت «شکل» در آنها ایجاد می‌شود.

### سوره مبارکه نصر:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ (۱)

وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا (۲)

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا (۳)

انسان يك شاكله جمع دارد. شما مي توانيد بر اساس فوج، آدمها را دسته بندي كنيد مثل پرنده ها كه به فلان تعدادند و كوچشان فلان طور است.

### سوره مباركه كافرون:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ (۱)

لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ (۲)

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (۳)

وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ (۴)

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (۵)

لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ (۶)

ما در سوره كافرون به دو مدل شاكله رسيديم، شاكله عبوديتي و شاكله خلقي، شاكله عبوديتي، زن و مرد و بچه و بزرگ نمي شناسد و مربوط به انسان است.

الان يكي از پايان نامه هاي دكترى، راجع به شخصيت است كه ما دو مدل تپ هاي شخصيتي داريم كه عبوديتي و خلقي است. پس ما از سوره كافرون به شاكله عبوديتي رسيديم كه مقابل شاكله خلقي (بين زن و مرد و بسترهاي مختلف متفاوت است) است.

### سوره مبارکه کوثر:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ (۱)

فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ (۲)

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ (۳)

از سوره کوثر ما «شاکله جریان» را استخراج کردیم بدین معنا که چگونه یک عمل، یا یک شخص از حالت نقطه A به ابعاد جریان ساز تبدیل شود. جریانات هم برای خودشان شکل های مختلف دارند که قابل طبقه بندی است. خیلی کتاب مهم و جالبی است و برای کسانی که می خواهند شاکله عملشان به بهشت برسد و جاودان شود این کتاب مهم است. اصول و فنون «بهشتی شدن» در این کتاب ذکر شده است.

### سوره مبارکه ماعون:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ (۱)

فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ (۲)

وَلَا يَحْضُرُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ (۳)

فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ (۴)

الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (۵)

الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ (۶)



وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ (۷)

در این سوره اثبات شد، که همانطور که انسان دارای شکل و ساختار است شاکله جمع، صفت یا دو مدل عبودیتی و خلقی است؛ اعمال انسان هم دارای شکل است، مثلاً نماز هم دارای شاکله است. در سوره ماعون حدود ۱۰ کار انجام شده که اوج کارهای مهارتی بود، خانم کندی، خانم خوش اخلاق، خانم افشار و ... نشانی از تنوع کار بود.

### سور مبارکه قریش و فیل:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا يَلْفُ قُرَيْشٍ (۱)

إِلَّا فِيهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ (۲)

فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ (۳)

الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ (۴)

سوره‌های فیل و قریش مبحث «فعل» بود که هنوز کتابش رونمایی نشده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ (۱)

أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ (۲)

وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ (۳)

تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ (۴)

فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ (۵)

کتاب «فعل» کتاب عجیبی است که نسبت فعل خدا به انسان را بررسی کرده است و خیلی از شبهات جبر و اختیار در آن پاسخ داده شده‌اند. خیلی کار سنگینی از جهت محتوایی است.

ما از القا و اثر و القای اثر به صفت رسیدیم، بعد شاکله و انواع شاکله و بعد به فعل رسیدیم، اگر دقت کنید این‌ها یک نظمی دارد.

### سوره مبارکه همزه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ (۱)

الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ (۲)

يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ (۳)

كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ (۴)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ (۵)

نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ (۶)

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ (۷)

إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَدَةٌ (۸)

فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ (۹)

شکستن شاکله سیئات براساس سوره همزه انجام گرفت، شروع یک انقلاب با این سوره بود. چطور شکل یک گناه را می‌توان از بین برد و شکست. کار خانم کوچک زاده «شاکله سرزنش، شاکله سیئات» بود. همین که بتوانید سرزنش را از جامعه دور کنید، سیئات از شما دور می‌شود.

### سوره مبارکه عصر:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَ الْعَصْرِ (۱)

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۲)

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ (۳)

این سوره دو کتاب داشت، «استرس رزم» و «استحکام درونی» بود. کتاب اول بنیادین و کتاب دوم کاملاً مهارتی بود. از این دو کتاب اولین چاپ شده و هر دو به سفارش وزارت دفاع نوشته شده است.

### سوره مبارکه تکوین:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْهَيْكَلُ التَّكْوِينُ (۱)

حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ (۲)

كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (۳)

ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (۴)

كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ (۵)

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ (۶)

ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ (۷)

ثُمَّ لَتَسْلُنَنَّ يَوْمُنَادٍ عَنِ النَّعِيمِ (۸)

کتاب «یقین» از سوره مبارکه تکوین استخراج شد و کتاب نفیس و جالبی است و فکر می‌کنم در حال چاپ است.

### سوره مبارکه قارعه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَارِعَةُ (۱)

مَا الْقَارِعَةُ (۲)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ (۳)

يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ (۴)

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ (۵)

فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ (۶)

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ (۷)

وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ (۸)

فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ (۹)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَ (۱۰)

نَارٌ حَامِيَةٌ (۱۱)

سوره قارعه بخشی آن طرف شب قدر و بخشی اش بعد شب قدر است. تا الان کتابی بنام «عمل» را در رزومه خودش دارد و کتاب بعدی که قرار است دوستان کار کنند: «مهارت های وزن دار کردن عمل» است.

دقیقا این کارها از آذر ۹۳ شروع شده است.

برای اینکه به تکاثر مبتلا نشویم صلواتی ختم بفرمایید.

شب قدری داشته باشیم، کارهای قبل را ببینیم، هر کسی خودش را در چارچوب خودش پیدا کند، می‌خواهیم کارهای قابل دفاع داشته باشیم، نه اینکه کارهای عجله‌ای داشته باشیم. بنا داریم که جلوی کثرتهای بی‌رویه را بگیریم. منتها می‌شود این‌ها را به بسته‌های کوچک تقسیم کرد. فصل‌های این کار یکی «وزن عمل»، «اختلال در وزن» و «عمل صالح» بوده است. اسم‌ها و متن‌ها قابل اضافه‌شدن است پس هر کسی که کاری راجع به سوره قارعه کار کرده است عنوان کند.

در واقع مهارتی کردنِ اعمال ۴ فصل دارد:

۱. وزن عمل چیست؟

۲. یک عمل بی‌وزن یعنی چه؟

۳. اختلال در وزن

۴. عمل صالح

هر فصلی هم درونش حدود ۴ درس مهارتی خواهد داشت.

اگر بخواهیم نقد گذشته‌مان را داشته باشیم:

- ۱) کتاب‌های گذشته نوعا بنیادین بوده است البته به غیر از یکی، دو تا کتاب مهارتی.
- ۲) مشارکتی که در کتاب‌ها بوده است، مشارکت‌های حداکثری نبوده بلکه حداقلی بوده است. یعنی مثلا تعداد افراد حدود ۵ نفر بودند در حالی که حاضرین حدود ۴۰ نفرند.
- ۳) یک برنامه منظم از پیش تعیین‌شده‌ای درونش نبوده است. یعنی یک نقشه حساب شده‌ای در کار نبوده است.

برای اینکه این نواقص برطرف شود بهتر است حضور و مشارکت دوستان جدی‌تر و عمیق‌تر شود.

سبک کار ما این است که به بهانه سوره کل یک موضوع را بررسی می‌کنیم مثلاً فقط قیامت یک سوره را کار نمی‌کنیم، خط مشی و عنوان را از یک سوره می‌گیریم ولی در کل قرآن بررسی می‌کنیم به همین دلیل عناوینی مثل قیامت تحقیقات گسترده‌ای می‌طلبند که از ۴ منظر باید بررسی کند،

(۱) رخدادهای قبل قیامت

(۲) رخدادهای هنگام بعث

(۳) رخدادهای حساب و کتاب

(۴) بهشت و جهنم

سوره‌های بعدی ما عادیات، زلزال، بینه، قدر و تین را تا سال دیگر می‌توانیم کار کنیم، موضوعات هر سوره را استخراج کردم که هر کسی هر موضوعی مدنظرش بود را انتخاب و شروع به کار در کل قرآن کند.

نظر ما این است که از این به بعد توجه به داستان‌های کوتاه، دست‌نوشته‌های قرآنی و مستندسازی و غیره بیشتر شود. امیدواریم جلساتمان به گونه‌ای باشد که در یک جلسه بتوانیم ۱۰ طرح داشته باشیم.

خیلی سوره‌های پیش‌رویمان سوره‌های مهمی هستند، مثلاً سوره عادیات روی «امت‌سازی» می‌رود، کسی که امت‌سازی را در قرآن کار می‌کند خیلی مهم است. «تمدن‌سازی» یک گوشه کوچکی از امت‌سازی است.

من تصورم این است که افراد ترس‌های بی‌جا دارند و الان آن کسی که مثل بنده و استاد چیت‌چیان و دیگران متنی یا کتابی نوشتند می‌بینند که این‌ها هم کار ما نبوده است، مثلاً کتاب فعل، عنوان‌گذاری‌ها و متن‌هایش معلوم است که حرف ما نیست و خودمان هم ممکن است درک شهودی از آن‌ها نداشته باشیم، بیشتر باید انگیزه و خواست شما تحریک شود و نیازی که جامعه دارد. ما نسبت به نیاز جامعه غافلیم یا درک نمی‌کنیم.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات